مدیرکل موزه‌ها و اموال منقول تاریخی:

فردوسی را بدون مجوز شسته‌اند!

مدیرکل موزه‌ها و اموال منقول تاریخی گفت: مجسمه فردوسی ثبت ملی شده و اقدام شهرداری برای پاکسازی این مجسمه، بدون مجوز، غیراصولی و خلاف قوانین ناظر بر آثار ثبت ملی بوده است.

مرتضی ادیب‌زاده در گفت‌وگو با ایسنا درباره پاکسازی مجسمه فردوسی در تهران که پس از شست‌وشو، دو رنگ شده و با همین وضعیت به حال خود رها شده است، اظهار کرد: مجسمه فردوسی در سال ۱۳۹۸ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده و دارای ضوابط حفاظت اختصاصی است، بنابراین شهرداری و یا هر ارگان دیگری بدون دریافت مجوز از میراث فرهنگی، اجازه مرمت، پاکسازی و یا هر اقدام دیگری را ندارد.

او تاکید کرد: شهرداری برای پاکسازی و شست‌وشوی مجسمه فردوسی باید مجوز میراث فرهنگی را می‌گرفت و توسط کارشناسان متخصص این حوزه، عملیات پاکسازی را انجام می‌داد که چنین اقدامی انجام نشده است و شهرداری بدون مجوز به پاکسازی غیراصولی سطح مجسمه فردوسی اقدام کرده است.

ادیب‌زاده که پیش‌تر معاون میراث فرهنگی استان تهران بوده، با یادآوری تخریب مجسمه‌های میدان حر تهران از سوی شهرداری در سال گذشته، اظهار کرد: با توجه به آن تجربه و همچنین به سبب آسیب‌های خاص وارده، ناشی از آلودگی شدید و نیز اهمیت این آثار، شهرداری باید این احتیاط را درباره مجسمه فردوسی لحاظ می‌کرد، به ویژه آن‌که مراتب ثبت آثار ملی به استانداران ابلاغ می‌شود و لازم است مرمت مجسمه‌های شهری ثبت‌شده توسط متخصصان این امر و با نظارت کارشناسی صورت گیرد. او همچنین یادآور شد: مجسمه‌های شهری علاوه بر آسیب و آلودگی ناشی از محل قرار گرفتنشان در یک فضای عمومی، به مرور زمان به دلیل آلودگی دچار تغییرات در ظاهر خود می‌شوند. تاثیرات آب و هوا مانند آلودگی، نوسانات دمایی، نفوذ رطوبت به بافت مجسمه‌ها منجر به ایجاد آسیب‌هایی در آن‌ها خواهد شد. همچنین ممکن است فضولات پرندگان یا جوندگان نیز به مرور زمان، سطوح این مجسمه‌ها را دچار تغییر و تخریب کند. مدیرکل موزه‌ها و اموال منقول تاریخی درباره پیگیری و بررسی دیگر خسارت‌های وارد شده به مجسمه فردوسی در جریان پاکسازی سطح آن و همچنین چگونگی ادامه عملیات پاکسازی با توجه به این‌که مجسمه دو رنگ و با وضعیت نامناسب به حال خود رها شده است، گفت: معاونت میراث فرهنگی استان تهران باید بررسی کند که چه آسیبی به مجسمه فردوسی وارد شده است. ظاهرا پاکسازی مجسمه نیمه‌تمام رها شده است.

شست‌وشوی غیراصولی مجسمه فردوسی در روزهای گذشته پس از آن‌که عکسی از آن در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، واکنش بسیاری از مجسمه‌سازان و اعضای شورای شهر تهران را نیز برانگیخت. به اعتقاد برخی مجسمه‌سازان، این رفتار شهرداری که از گذشته سابقه داشته و با وجود اعتراض‌ها آخرین آن هم نخواهد بود، چه بسا که مدیر روابط عمومی سازمان زیباسازی شهر تهران گفته است: در سال ۱۴۰۱ سازمان زیباسازی برنامه مفصلی برای مرمت یا شست‌وشوی سازه‌های حجمی و المان‌هایی مثل مجسمه‌های میادین دارد. محمد جواد زمان‌آبادی همچنین گفته که مجسمه میدان فردوسی در محلی است که آنجا در معرض آلودگی، آفتاب و بارندگی قرار دارد و دائما نیازمند این است که به آن رسیدگی شود، اما سازمان زیباسازی طی دو سال گذشته هنوز برنامه‌ریزی برای شست‌وشوی یا مرمت این سازه انجام نداده است. با این حال، نرگس معدنی‌پور ـ رییس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران ـ در تذکری که یکشنبه ۱۲ تیرماه در تذکر پیش از دستور خود در صحن شورا، به مصوبه حفظ آثار فاخر اشاره کرد و از شهرداری خواست که هرچه سریع‌تر مساله دو رنگ شدن مجسمه فردوسی را رفع کند.

تندیس حکیم ابوالقاسم فردوسی، بنابر اطلاعاتی که مدیرکل موزه‌ها و اموال منقول تاریخی وزارت میراث فرهنگی منتشر کرده است، به شماره ۱۴۴۴ به تاریخ ششم بهمن‌ماه سال ۱۳۹۸ در فهرست میراث ملی ایران به ثبت رسیده و از آثار ماندگار استاد ابوالحسن خان صدیقی، نقاش و مجسمه‌ساز مشهور ایرانی است.

نگاهی به قیمت‌های کلان کنسرت نمایش‌ها

اغلب مردم این کنسرت‌های لاکچری را نمی‌خواهند!

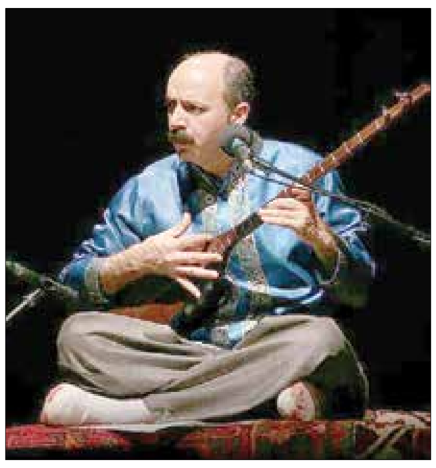

کنسرت‌های به اصطلاح لاکچری که با بهره‌گیری از تلفیق چهره‌های شناخته‌شده عرصه نمایش و موسیقی، قشر مرفه جامعه با فرهنگی خاص را به سالن‌ها می‌کشانند، سال‌هاست برگزار می‌شوند و البته نقدهایی را هم متوجه خود کرده‌اند؛ اما این اجراها که حالا بعد از کرونا بلیطشان با قیمت‌های کلان‌تری هم به فروش می‌رسد، در مقایسه با شرایطی که فضای کلی موسیقی ایرانی از سر گذرانده و همچنان می‌گذراند، به‌شدت سوال‌برانگیز است.

اختلاف قیمت بلیط‌ها نسبت به دو یا سه سال قبل اگرچه با توجه به رشد نرخ تورم، تا حدودی توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد اما اگر برای این قیمت‌گذاری‌ها سقفی قائل نشوند، فضایی برای نقد و حاشیه فراهم خواهد شد که در نهایت پاسخی برای آن باقی نمی‌ماند؛ هرچند که همین حاشیه‌ها در فضای مجازی هم می‌تواند تبلیغی برای این دست کارها به حساب آید و تماشاگر بیشتری را حداقل از سر کنجکاوی به سالن‌ها بکشاند.

با توجه به آنچه اکنون در فضای موسیقی کشور جریان دارد و ممکن است در صورت خاموش ماندن شیوع کرونا تا آخر سال، همچنان تداوم یابد، تصمیم گرفتیم طی گفت‌وگویی با حیدر کاکی ـ نوازنده تنبور، تار و سه‌تار ـ موضوع جایگاه چنین اجراهایی در حوزه هنر را مطرح کنیم. کاکی ـ آهنگساز و نوازنده تنبور ـ به ایسنا می‌گوید: «به نظر می‌رسد برخی از هنرمندان تحت نظر تهیه‌کننده‌ها و مشاوره‌های قوی و یا داشتن مدیربرنامه‌های کاربلد، یاد گرفته‌اند در چه برهه‌ای، به چه صورتی و چه کاری را به روی صحنه ببرند که سودآوری مالی بیشتری برایشان داشته باشد.» او ادامه می‌دهد: «حکایت این افراد این است که هم از آخور می‌خورند و هم از توبره؛ چراکه برخی از این افراد، خودشان را به عنوان هنرمند موسیقی سنتی معرفی می‌کنند، ساز ایرانی به دست می‌گیرند و ژست موسیقی جدی دارند، ولی موسیقی که ارائه می‌دهند موسیقی پاپ است و حتی از خوانندگان پاپ هم استفاده می‌کنند. البته که من با موسیقی پاپ خوب هیچ مشکلی ندارم، اما این گونه ارائه موسیقی بلاتکلیف است.» این هنرمند معتقد است این هنرمندان با حرکت‌های غیرمعمول بدن هنگام نوازندگی بیشتر اجراهایشان نمایشی و «شو» است. او ادامه می‌دهد: این قبیل کارها علیرغم نداشتن محتوایی پیچیده و موسیقی قوی اما با استفاده از جنبه‌ای نمایش‌مانند و همچنین استفاده از چهره‌های تلویزیونی با استقبال قشری اندک از مردم رو به رو می‌شوند؛ چراکه عمدتا تبلیغات بسیار بالایی دارند و هر آنچه هم که تبلیغات زیادی داشته باشد، جذابیت پیدا می‌کند. این آهنگساز و نوازنده تنبور تصریح می‌کند: «در جامعه امروز ما این قشر اندک تازه به دوران رسیده از لحاظ اقتصادی در شرایط خوبی هستند، ولی متاسفانه از لحاظ فرهنگی در سطح پایینی قرار دارند. همین افراد تحت تاثیر تبلیغات گسترده از کنسرت‌های پاپ ضعیف و این نوع اجراها حمایت می‌کنند؛ و البته اگر این مخاطبان به تماشای این اجراها ننشینند، کارهای کم محتوا درآمدزایی نمی‌کنند.»

حیدر کاکی می‌گوید: «اتفاقی که در این کنسرت‌نمایش‌ها رخ می‌دهد، همان جریانی است که در موسیقی پاپ سطح پایین شاهدش هستیم؛ تهیه کننده است که تصمیم می‌گیرد، چگونه و روی چه کسی سرمایه گذاری کند. مثلاً اوست که خواننده‌ای را انتخاب می‌کند و پس از شش ماه، یک سال با تبلیغات گسترده و اجرای ده‌ها کنسرت، بار خود خواننده را می‌بندد. ولی یک استاد موسیقی ایرانی یا نواحی سال‌های متمادی عمر خود را صرف حفظ بخشی از فرهنگ این کشور کرده اما در فقر مالی زندگی خود را سپری می‌کند تا حدی که توان پرداخت هزینه‌های درمانش را هم ندارد؛ البته این وظیفه ذاتی دولت‌هاست که این هنرمندان را حمایت کنند که متاسفانه یا انجام نمی‌شود یا بسیار ضعیف است.»

کاکی، در مقابل آن دسته از هنرمندان را مثال می‌زند که تا حد توان مخاطب را درک می‌کنند، به فکر درآمدهای کلان نیستند و بلیط‌هایشان ارزان‌تر است، گرچه که ممکن است دستاورد مالی چندانی هم نداشته باشند، ولی نکته مهم این جاست که این هنرمندان مخاطبانی دارند فرهیخته که از آنچه قرار است به تماشایش بنشینند، آگاه هستند.

«پس مسئولیت اجتماعی چه می‌شود؟» او در همین زمینه چنین پاسخ می‌دهد: «مسئولیت اجتماعی برای هنرمندی است که به جامعه خود تعهد داشته باشد و هنرش بیان کننده اوضاع کنونی جامعه باشد ولی هنرمندی که به جامعه خود تعهد نداشته باشد این مسائل برایش مهم نیست.» این نوازنده به حرفهایش چنین اضافه می‌کند: «اتفاقا این دسته از هنرمندان چه به لحاظ نوازندگی و چه به لحاظ خوانندگی و آهنگسازی، در حیطه کاری خود افراد شناخته شده ای هستند؛ ولی مسئله این است که مهم‌ترین دغدغه برای یک هنرمند باید بازخورد اجتماعی او باشد؛ ولی با برگزاری چنین اجراهایی (کنسرت ـ نمایش‌ها) این سوال در ذهن متبادر می‌شود که آیا در شرایط فعلی دغدغه مردم ما این است که چنین برنامه‌هایی را تماشا کنند؟»

او تصریح می‌کند: «به نظر من که چنین اجراهایی نه تنها هم راستای شرایط کنونی جامعه نیست، بلکه خلاف شرایط اقتصادی موجود است. و هدف تهیه کننده و هنرمندش تنها تامین منافع مالی است و عمدتا هم اثر فاخری خلق نمی‌کنند.»

جشن خانه سینما امسال هم برگزار نمی‌شود؟

برگزاری جشن خانه سینما که دو سال با وقفه روبرو بوده، امسال در شرایطی پیگیری می‌شود که هیات مدیره خانه سینما در آستانه تغییر است و انتخابات پیش‌رو تدارک برای اجرای جشن را در وضعیت خاصی قرار می‌دهد.

به گزارش ایسنا، جشن بزرگ سینمای ایران که ۷۰ روز تا موعد همیشگی آن باقی مانده، هر سال توسط خانه سینما و همزمان با روز ملی سینما در روز ۲۱ شهریور برگزار می‌شود، اما آخرین دوره این جشن (دوره بیست‌ویکم) در سال ۱۳۹۸ برپا شد و برپایی دوره بیست‌ودوم در سال ۱۳۹۹ به دلیل پاندمی و با وجود تلاش‌های انجمن عالی هنرها و فنون سینمایی ایران برای حذف نشدن این رویداد از تقویم سینمایی آن سال، حتی در حد داوری و معرفی آثار برتر هم به سرانجام نرسید.

در سال ۱۴۰۰ قرار براین بود که جشن سینمای ایران به شکلی متفاوت برگزار شود چون نه تنها ادامه‌ی شیوع کرونا، امکان برگزاری هر مراسمی را سخت می‌کرد بلکه اعلام شد شرایط موجود جامعه مناسب «جشن» نیست؛ شرایطی که به نظر می‌رسد امسال هم به لحاظ اجتماعی و اقتصادی ادامه دارد.

سال گذشته قرار بود داوری آثار سینمایی دو سال ۹۹-۱۳۹۸ و معرفی برگزیده‌ها انجام شود، ولی از آنجا که داوری فیلم‌ها در زمان مناسبی آغاز نشد دست‌اندکاران آکادمی گفتند که مراسم با تاخیر به فصل پاییز می‌رسد ولی پاییز و زمستان رفتند و دوره بیست‌ودوم هنوز برگزار نشده است.

پیگیری ایسنا درباره چگونگی برگزاری جشن خانه سینما در سال ۱۴۰۱، حاکی از این است که مدیران فعلی خانه سینما درصدد هستند تا حتما جشن امسال را برگزار کنند و حتی فرهاد توحیدی را به عنوان دبیر آن تعیین کرده‌اند، اما با توجه به برگزاری مجمع عمومی خانه سینما و انتخابات هیأت مدیره که مردادماه برپا خواهد شد، فعلا جزئیاتی رسمی از نحوه برگزاری جشن و حتی انتخاب قطعی دبیر و مسئول برگزاری آن اعلام نمی‌شود؛ بویژه آنکه رامین حیدری فاروقی که در سال قبل به عنوان رئیس انجمن عالی هنرها و فنون سینمایی ایران پیگیر امور مربوط به برگزاری جشن بود، دیگر در این سِمت نیست و گویا جانشینی هم برای او مشخص نشده است.

بیست‌ودومین جشن بزرگ سینمای ایران اگر امسال برگزار شود، آیین‌نامه متفاوتی خواهد داشت چرا که آثار اکران شده در سینماها و پلتفرم‌ها از تیرماه سال ۱۳۹۸ انبوهی از فیلم را روی دست داوران قرار می‌دهد.

براساس فهرست فیلم‌های اکران شده در سایت‌های فروش فیلم و سمفا (سامانه فروش و مدیریت اکران) نام فیلم‌هایی را که از تیرماه سال ۱۳۹۸ تا تیرماه امسال اکران شده‌اند و شرایط ثبت نام در بزرگترین رویداد صنفی سینمای ایران را دارند، مرور خواهیم کرد.

در سال ۱۳۹۸ که از آن به عنوان آخرین سال رونق سینماها پیش از شیوع کرونا یاد می‌شود، نزدیک به ۵۰ فیلم روی پرده رفته بود که شامل «آشفتگی» فریدون جیرانی، «نبات» پگاه ارضی، «سمفونی نهم» محمدرضا هنرمند، «روسی» امیرحسین ثقفی، «سال دوم دانشکده من» رسول صدرعاملی، «دارکوب» رضا گوران، «شاه کش» وحید امیرخانی، «مردی بدون سایه» علیرضا رئیسیان، «درخونگاه» سیاوش اسعدی، «خانه پدری» کیانوش عیاری، «تورنا۲» سید جوادهاشمی، «تپلی و من» حسین قناعت، «۲۳ نفر» مهدی جعفری، «نیوکاسل» محسن قصابیان، «قسم» محسن تنابنده، «کلوپ همسران» مهدی صباغ زاده، «مسخره‌باز» همایون غنی‌زاده، «قصر شیرین» رضا میرکریمی، «جان دار» حسین امیری و پدرام پورامیری، «ایده اصلی» آزیتا موگویی، «هزارتو» امیرحسین ترابی، «منطقه پرواز ممنوع» امیر داسارگر، «ماجرای نیمروز، رد خون ۲» محمدحسین مهدویان، «ایکس لارج» محسن توکلی، «جهان با من برقص» سروش صحت، «زیر نظر» مجید صالحی، «چشم و گوش بسته» فرزاد موتمن، «مطرب» مصطفی کیایی، «کاتی و ستاره» رضا مجلسی، «لیلاج» داریوش یاری، «امیر» نیما اقلیما، «معکوس» پولاد کیمیایی، «پول کثیف» خسرو معصومی، «مشت آخر»، مهدی فخیم‌زاده، «شکستن همزمان بیست استخوان» جمشید محمودی، «کروکودیل» مسعود تکاور، «چاقی» راما قویدل، «خداحافظ دختر شیرازی» افشین‌هاشمی، «سونامی» میلاد صدرعاملی، «جانان» کامران قدکچیان، «پیلوت» ابراهیم ابراهیمیان، «یادم تو را فراموش» علی عطشانی، «نرگس مست» سید جلال الدین دری، «برمودا» رهبر قنبری، «خوب، بد، جلف ۲» پیمان قاسمخانی و «دوئت» نوید دانش می‌شوند.

در سال ۱۳۹۹ که شروع آن با شوک پاندمی همراه بود، اکران نوروزی سینماها لغو شد و از اواخر فروردین اکران آنلاین در یکی دو پلتفرم جان گرفت که تا مدتی رونق داشت و بعد تقریبا تعطیل شد و الان هم فیلم‌هایی که از روی پرده برداشته می‌شوند ادامه اکران خود را در این قالب دنبال می‌کنند.

«خروج» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا پیشگام اکران آنلاین شد و پس از آن فیلم‌هایی همچون «طلا» پرویز شهبازی، «مهمانخانه ماه نو» تاکفومی تسوتسویی (به تهیه‌کنندگی جواد نوروزبیگی و شهره گلپریان)، «تیغ و ترمه» کیومرث پوراحمد، «حکایت دریا» بهمن فرمان‌آرا، «حمال طلا» تورج اصلانی، «لتیان» علی تیموری، «گیلدا» امید بنکدار و کیوان علیمحمدی، «هایلایت» اصغر نعیمی، «هفت و نیم» نوید محمودی، «ایستگاه اتمسفر» مهدی جعفری، «بنفشه آفریقایی» مونا زندی، «کشتارگاه» عباس امینی، «بهت» عباس رافعی و «پسرکشی» محمدهادی کریمی در پلتفرم‌ها به صورت اختصاصی نمایش داده شدند.

در سال ۱۳۹۹ پس از چهار ماه تعطیلی سینماها، سالن‌ها از ابتدای تابستان «شنای پروانه» بازگشایی شدند و بعد «آقای سانسور» علی جبارزاده، «دیدن این فیلم جرم است» رضا زهتابچیان، «زن‌ها فرشته‌اند ۲» آرش معیریان، «پیشی میشی» حسین قناعت، «بی‌حسی موضعی» حسین مهکام، «آن شب» کورش اهری، « آبادان یازده ۶۰» مهرداد خوشبخت، «تا ابد» امید امین نگارشی، «روزهای نارنجی» آرش لاهوتی، «دریا موج کاکا» علی سراهنگ، «قتل عمد» سعید دولتخانی، «اینجا هم باران می‌بارد» نادر طریقت، «خورشید» مجید مجیدی، «هفته‌ای یکبار آدم باش» شهرام شاه‌حسینی، «تک خال» مجید مافی، «خون شد» مسعود کیمیایی و «لاله» اسدالله نیک‌نژاد (پنج فیلم آخر اکران نوروزی ۱۴۰۰ بودند) روی پرده سینماها اکران شدند.

در سال ۱۴۰۰ نیز که دیگر خبری از تعطیلی سینماها به شکل قبل نبود، فیلم‌های «قهرمان» اصغر فرهادی، «بی‌همه چیز» محسن قرایی، «آپاچی» آرش معیریان، «آتابای» نیکی کریمی، «بندربند» منیژه حکمت، «اتومبیل» علی میری رامشه، «درخت گردو» محمدحسین مهدویان، «ازدواج جنجالی» اصغر نصیری، «پوست» بهمن و بهرام ارک، «ترانه‌ای عاشقانه برایم بخوان» مهرداد غفارزاده، «تک تیرانداز» علی غفاری، «تومان» مرتضی فرشباف، «جنایت بی‌دقت» نگار اسکندرفر، «حکم تجدید نظر» محمدامین کریم‌پور، «دینامیت» سید مسعود اطیابی، «رمانتیسم عماد و طوبا» کاوه صباغ‌زاده، «سیاه باز» حمید همتی، «شهر گربه‌ها» سید جوادهاشمی، «صحنه زنی» علیرضا صمدی، «عاشق پیشه» داود موثقی، «عطر شیرین عطر تلخ» ناصر محمدی، «عنکبوت» ابراهیم ایرج زاد، «قصه عشق پدرم» محمدرضا ورزی، «کله پوک» جواد مزدآبادی، «گربه سیاه» کریم امینی، «گشت ۳» سعید سهیلی، «گیسوم» نوید به‌تویی، «مدیترانه» هادی حاجتمند، «مرد نقره‌ای» محمدحسین لطیفی، «مستطیل قرمز» حسن و حسین صیدخانی، «منصور» سیاوش سرمدی، «مورچه خوار» شاهد احمدلو، «شادروان» حسین نمازی، «قدغن» مجید مافی، «گل به خودی» احمد تجری، «روز صفر» سعید ملکان، «سگ بند» مهران احمدی، «مرد بازنده» محمدحسین مهدویان و «موقعیت مهدی» هادی حجازی‌فر (هفت فیلم آخر در اکران نوروزی) در سینماها به نمایش درآمدند.

در سال ۱۴۰۱ هم تا پیش از تیرماه «انفرادی» مسعود اطیابی، «لامینور» داریوش مهرجویی، «مجبوریم» رضا درمیشیان، «چند می‌گیری گریه کنی۲» علی توکل‌نیا، «نقره داغ» محسن آقاخان، «سلفی با دموکراسی» علی عطشانی، «مغز استخوان» حمیدرضا قربانی، «پسران دریا» افشین‌هاشمی و حسین قاسمی‌جامی، «بدون قرار قبلی» بهروز شعیبی، «بی‌صدا حلزون» بهرنگ دزفولی‌زاده، «والدین امانتی» حسین قناعت، «هناس» حسین دارابی و «علف‌زار» کاظم دانشی اکران شدند.

به این ترتیب و با و جود آنکه ممکن است در فهرست فیلم‌های این گزارش نام اثری از قلم افتاده باشد، اما از تیرماه سال ۱۳۹۸ تاکنون حدود ۱۳۰ فیلم می‌توانند در فهرست داوری جشن بیست‌ودوم خانه سینما قرار بگیرند و باید دید آیین‌نامه این جشن در صورت برگزاری، آیا شروطی را برای کم‌تر شدن این فهرست در نظر می‌گیرد یا اینکه تمهیدی ویژه برای داوری همه فیلم‌ها می‌اندیشد؟!

تضعیف عمدی ادبیات با حذف آن از کنکور

وحید عیدگاه طرقبه‌ای حذف ادبیات از کنکور سراسری را بی‌توجهی عامدانه به ادبیات عنوان می‌کند که در جهت تضعیف عمدی جنبه‌های ملی ماست. این نویسنده و استاد دانشگاه درباره تصمیم حذف درس‌های عمومی از کنکور ۱۴۰۲، در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: مانند خیلی از کسانی که این خبر را شنیده و گله‌مند بودند، موافق این اتفاق نیستم؛ این امر نشان می‌دهد که جنبه‌های ملی ما به شدت در حال ضعیف شدن و تضعیف شدن عمدی هستند. حذف درس ادبیات از کنکور پیام روشنی دارد، مسئله ادبیات نیست، مسئله زبان رسمی و ملی ایران است که عامدانه به آن بی‌توجهی می‌شود. اگر مسئولان بخواهند این موضوع را جدی نگیرند، شاید در آینده نچندان دور نتیجه‌اش را خواهند دید. او سپس گفت: این‌که بچه‌های رشته‌های فنی و یا بچه‌های رشته پزشکی یا مهندسی خوب آموزش ندیده‌اند و در دوران پیش از دانشگاه احساس می‌کنند، درس‌های زبان و ادبیات فارسی به نوعی مانع کارشان است، این تقصیر این درس‌های نیست بلکه تقصیر روش آموزشی است که در دوران دبیرستان داشتند، آن‌ها را خوب ورزیده نکرده است و این درس را مانع می‌بینند. اگر این درس به صورت خیلی روان و خوب و مناسب و بدون مباحث دست‌وپاگیر دستوری که خیلی از دانش‌آموزان را آزرده خاطر می‌کند، تدریس می‌شد این همه واکنش ایجاد نمی‌شد که حالا بخواهند این درس‌ها را حذف کنند و به صورت مانع ببینند. عیدگاه طرقبه‌ای درباره انتقاداتی که درباره تست‌پذیر نبودن ادبیات مطرح است، گفت: بخشی از این انتقادات به خاطر اطلاع نداشتن است و بخشی هم که عامانه می‌گویند ،هدفشان تضعیف زبان فارسی است، چون جرأت ندارند بگویند ما دشمن زبان فارسی هستیم و می‌خواهیم زبان فارسی حذف شود، مجبورند از این بهانه‌ها بیاورند. البته این موضوع برای کسانی است که عامدانه این سخن‌ها را می‌گویند. روش تستی، آزمون شده است و در المپیاد ادبیات در سال‌های پی درپی آزمون کرده‌ایم، این روش تستی بسیار کارآمد است و با همین روش توانستیم بهترین دانش‌آموزان را در سطح کشور شناسایی کنیم، خیلی از این‌ها موفق شدند و بعدها دانشجویان موفقی شدند و برخی هم جزو پژوهشگران زبان و ادبیات فارسی شدند. این نشان می‌دهند زبان فارسی تست‌پذیر است مانند دیگر زبان‌ها. او در پایان گفت: نکته دیگر مقایسه است؛ بیایید شما این ماجرا را با کشورهای دیگر مقایسه کنید و ببینید کشورهای دیگر زبان خودشان را تضعیف می‌کنند؟ آیا زبان و ادبیات خود را از وقایع و رویدادهای مهم علمی و دانشگاهی حذف می‌کنند؟ اگر آن‌ها این کار را می‌کنند ما هم انجام دهیم و بگوییم، خب به درد ما نمی‌خورد. قطعا چنین نیست. یک رکن مهم هر ملیتی، زبان رسمی آن‌ها است و هرچیزی که به زبان رسمی ربط دارد. زبان رسمی چیزی نیست که بشود از یک مقطع و یا آزمون مهم کشوری حذف کرد. این‌ها غلط است و بخشی قطعا عامدانه است، نمی‌توانیم تعارف داشته باشیم و پنهان کنیم.

گزارش

«خانه لرزاده» پشت درهای بسته در انتظار چیست؟

«خانه موزه لرزاده» مدتی است به بهانه بازسازی تعطیل شده، در حالی‌که مشخص نیست شهرداری به عنوان مالک این بنای ثبت شده در فهرست آثار ملی، برای هر نوع تغییر و یا دخل و تصرف در آن از میراث فرهنگی مجوزهای لازم را گرفته است؟ از طرفی، وضعیت نامعلوم این خانه موزه، نگرانی‌هایی را درباره سرنوشت مبهم آن ایجاد کرده است. به گزارش ایسنا، در انتهای یکی از کوچه‌های بهار شیراز در خیابان شریعتی تهران، خانه‌ای با معماری مدرن و معاصر به چشم می‌خورد؛ خانه‌ای که محلی‌ها از نام و نشانش چیزی نمی‌دانند و شاید تنها معماری نامتقارن آن به چشمشان آمده باشد. خانه استاد حسین لرزاده ـ معمار معاصر ـ که بعد از فراز و نشیب‌هایی، از سال ۱۳۹۸ به عنوان موزه به حیات خود ادامه داده است. این روزها اما «خانه لرزاده» که میان ساختمان‌های بلند محصور شده، در بلاتکلیفی به سر می‌برد و معلوم نیست چه سرنوشتی در انتظارش است. از ابتدای سال درهای این موزه را بدون اطلاع‌رسانی به روی مردم بسته‌اند و شهرداری که مالک آن است، بی‌سر و صدا به باسازی آن پرداخته و تا کنون نیز پاسخگوی وضعیت خانه لرزاده نبوده است. در طول مدتی هم که درهای این خانه بسته شده، نگرانی‌ها و واکنش‌ها نسبت به وضعیت نامعلوم آن بیشتر شده است، با این وجود شهرداری بدون توجه به این واکنش‌ها همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. بررسی و پرس‌وجوهای میدانی خبرنگار ایسنا حاکی از این است که درهای خانه لرزاده دیگر قرار نیست به عنوان موزه به روی مردم باز باشد و شاید دفتری برای استقرار نیروهای اداره شهرسازی شود. محلی‌ها می‌گویند درهای خانه از روزهای ابتدایی سال ۱۴۰۱ بسته شده و هیچ‌کس اجازه بازدید از «خانه موزه لرزاده» را ندارد. جلوی درِ اصلی آن خاک و آجر ریخته‌اند و کارگران حدود دو هفته‌ای است که از سوی شهرسازی مسؤول شده‌اند که نمای بیرونی آن را باسازی کنند. کارگران نیز از ماجرای «خانه لرزاده» و سرنوشت آن خبری ندارند و می‌گویند که فقط مسؤول باسازی این خانه هستند و حتی نمی‌دانند که با پایان باسازی قرار است درهای موزه باز شود یا خیر؟ این خانه سه طبقه با نمای آجری را «حسین لرزاده»، یکی از استادان بزرگ معماری در دوران معاصر با سبک و سیاق خود و تلفیقی از معماری مدرن و سنتی، برای سکونت خود و خانواده‌اش در دهه ۳۰ طراحی کرد که تا واپسین لحظات زندگی‌اش در آن‌جا سکونت داشت. این معمار طراح و مجری آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی، سردر بانک شاهی (بانک تجارت کنونی) و مسجد اعظم قم بوده و حتی در مرمت و تغییر بخش‌هایی از حرم امام حسین (ع) در شهر کربلا فعالیت داشته است. پس از مرگ لرزاده (سال ۱۳۸۳) سرنوشت دیگری برای این خانه رقم خورد و با هدف ایجاد موزه در همان سال به تملک شهرداری درآمد، اما سال‌ها طول کشید تا درِ این خانه تاریخی را به عنوان «موزه» به روی مردم باز کند و در این سال‌ها کاربری‌های دیگری، همچون کافی‌شاپ و گلخانه را تجربه کرد. سرانجام بعد از ۱۵ سال به عنوان «خانه معماری ایران» در مهرماه ۱۳۹۸ افتتاح شد. دو سال بعد از آن‌که «خانه لرزاده» توسط شهرداری خریده شد، به ثبت ملی رسید. شاید این اتفاق خاطرها را برای حفظ این خانه جمع می‌کرد، اما تعرض به این خانه جور دیگری رقم خورد. با این بهانه که «خانه لرزاده» حریم اختصاصی ندارد، اطراف آن شروع به ساخت‌وساز کردند و با ایجاد ساختمان‌های بلندمرتبه حریم آن را کور کردند. حتی درباره یکی از این ساختمان‌های هفت طبقه که در نزدیکی خانه لرزاده قرار دارد، شورای شهر تذکراتی داد و خواستار تخریب ساختمان هفت طبقه شد. اداره میراث فرهنگی تهران هم در واکنش به آن گفت که این خانه تاریخی حریم اختصاصی نداشته است، برای همین در زمان ساخت‌وساز در حریم آن از میراث فرهنگی استعلام نگرفته‌اند. انتظار می‌رود شهرداری و میراث فرهنگی نسبت به وضعیت این بنای تاریخی که میراث ملی از یک معماری مدرن و در عین حال سنتی است، پاسخگو باشند. ایسنا همچنین پیگیر پاسخ مسؤولان شهرداری و میراث فرهنگی درباره سرنوشتی است که در سکوت و بی‌خبری برای این بنای تاریخی رقم زده می‌شود.

اخبارکوتاه

لیلی رشیدی با «پدر» همبازی شد

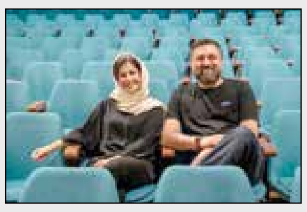

لیلی رشیدی در نمایش «پدر» به کارگردانی آروند دشت‌آرای به ایفای نقش می‌پردازد. به گزارش ایسنا به نقل از مشاور رسانه‌ای نمایش، لیلی رشیدی بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون در جدیدترین تجربه بازیگری خود بر صحنه تئاتر با نمایش «پدر» به طراحی و کارگردانی آروند دشت‌آرای روی صحنه می‌رود. این اولین تجربه همکاری رشیدی و دشت‌آرای در عرصه تئاتر است. رضا کیانیان بازیگر با سابقه سینما، تئاتر و تلویزیون نیز در این نمایش به ایفای نقش می‌پردازد. «پدر» نوشته فلوریان زلر جدیدترین کار کمپانی فیلم و هنرهای اجرایی «ویرگول» است. آروند دشت‌آرای سرپرست کمپانی «ویرگول»، پیش از این نمایش‌های متعددی از جمله «سگ سکوت»، «تن تن و راز قصر مونداس»، «کمی تاب بخوریم»، «باغبان مرگ» و «بداهه» را به صحنه برده است. نمایشنامه «پدر» یکی از مهمترین و پرطرفدارترین آثار زلر نمایشنامه نویس فرانسوی در جهان است که اولین بار در سال ۲۰۱۲ منتشر و در پاریس اجرا شد. «پدر» این روزها تمرین‌های خود را برای آغاز اجرای عمومی در شهریور سال جاری سپری می‌کند.

ارکستر سمفونیک تهران به رهبری حامد گارسچی روی صحنه می‌رود

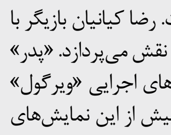

ارکستر سمفونیک تهران به رهبری حامد گارسچی طی دو شب در تالار وحدت به صحنه می‌رود. به گزارش روابط‌عمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی، ارکستر سمونیک تهران به رهبری حامد گارسچی پنجشنبه و جمعه ۳۰ و ۳۱ تیر ماه ساعت ۲۱:۳۰ در تالار وحدت به صحنه می‌رود. مهرداد غلامی سولیست فلوت این اجرای ارکستر سمفونیک است. اورتور جیبسی بارون با آهنگسازی یوهان اشتراوس، قطعه برای فلوت و ارکستر با آهنگسازی حسین ناصحی و سمفونی شماره ۸ آنتونن دورژاک در سل ماژور، اپوس ۸۸، ۳ قطعه‌ای است که توسط ارکستر سمفونیک نواخته خواهد شد. حامد گارسچی، متولد تهران و دانش‌آموخته رهبری ارکستر در دانشگاه موسیقی شهر کلن آلمان، تحصیلاتش را زیر نظر اساتیدی همچون میشائیل لوبیک، نیکلاس پاسکه، آلکساندر رومپف، فیلیپ آنتره مان و کورت مازور ادامه داد. وی در دوران تحصیل با ارکسترهای متعددی در آلمان، مجارستان و بلغارستان همکاری کرده است. نامزدی دریافت جایزه مسابقه رهبری ارکستر آلمان در سال ۲۰۱۷ و کسب مقام پنجم در مسابقه رهبری ارکستر آنتال دوراتی در کشور مجارستان، رهبری ارکستر جوانان وتسالار و ... دیگر سوابق گارسچی هستند. وی همچنین در اپراهایی از جمله راینگلد، خفاش، کارمن، فلوت سحر آمیز و اپرای شهر کوبورگ در ایالت بایرن به عنوان اکومپانیمان و رهبر همکاری کرده است. علاقه‌مندان می‌توانند بلیت این کنسرت را از سایت ایران کنسرت تهیه کنند.

کلینت ایستوود ۲ میلیون دلار غرامت می‌گیرد

«کلینت ایستوود» سینماگر ۹۲ ساله آمریکایی پس از طرح شکایت از یک شرکت داروسازی، مبلغ دو میلیون دلار غرامت دریافت می‌کند. به گزارش ایسنا به نقل از ایندی وایر در سال ۲۰۲۰، «ایستوود» دو شکایت از شرکت‌های دخیل در صنعت داورهای «CBD» مطرح کرد و آنها را به انتشار مقالات جعلی با استفاده از نام و تصویر او متهم کرد که به صورت ضمنی نشان می‌داد که او این محصولات را تایید می‌کند، در حالی که «ایستوود» هیچ دخالت رسمی در صنعت این محصولات نداشته است. حالا دادگاه، حکم به پرداخت ۲ میلیون دلار غرامت به این کارگردان کهنه‌کار داده است و این در واقع همان میزان پولی است که اگر «ایستوود» به عنوان سخنگوی این کمپانی فعالیت می‌کرد، شایسته دریافت آن می‌بود. شکایت «ایستوود» درباره مقاله‌ای است که در اینترنت به نقل از او منتشر شده که در آن از استفاده از محصولات CBD (روغن شاهدانه) تبلیغ کرده و همچنین نتیجه جستجوهای اینترنتی این محصولات نیز به نوعی دستکاری شده که گویی این ستاره کهنه کار هالیوود، پشتیبان این نوع محصولات است. اگرچه ایستوود تا ۹۲ سالگی همچنان به عنوان یک فیلمساز فعال باقی مانده است، اما به طور کلی از تایید و تبلیغ محصولات تجاری خودداری کرده است.